

نشانه هایی از تغییر رویکرد مثبت مسئولان مذاکره کننده برجامی

هفته گذشته شاهد تعدیلی در ادبیات مقامات دولت سیزدهم در مورد برجام بودیم. اینکه این ادبیات جدید منعکس کننده تحولی جدی و راهبردی است یا جنبه تاکتیکی دارد، سوالی است که برای پاسخ به آن باید قدری شکبیا باشیم.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، اما مقدمات و با احتیاط می توان گفت که مطالعه جدی تر پرونده هسته ای توسط این مقامات و نیز تماس های آقایان امیرعبداللهیان و باقری کنی با همتایان خارجی شان از یک سو و درک روشن تری که دولت سیزدهم از مشکلات حاد اقتصادی - اجتماعی و میزان ربط آنها به تحریم ها و تنش در سیاست خارجی به دست آورده، ممکن است درجاتی از واقع بینی و فاصله گرفتن از برخورد شعاری را به بدنه دولت تزریق کرده باشد.

نخستین نشانه از تغییر ادبیات را دوشنبه گذشته در سه پیش شرط مطروحه توسط سخنگوی وزارت خارجه دیدیم که به رغم ظاهر تند آن، نخستین نشانه حاکی از تعدیل در ادبیات هسته ای دولت بود.

یکی از این سه شرط این است که امریکا «باید بپذیرد به عنوان مقصر وضعیت فعلی از این مسیری که رفته برمی گردد.» این شرط عملا با توجه به انتقاد و رد سیاست «فشار حداکثری» و خروج ترامپ از برجام توسط دولت بایدن حاصل است. شرط دوم یعنی برداشتن همه «تحریم های ظالمانه و غیرقانونی که بعد از خروج امریکا از برجام اعمال شده»، مهم ترین تعدیل در مواضع قبلی است. در این موضع گیری دیگر سخن از «لغو همه تحریم ها» نیست و تمرکز بر این موضوع در مذاکرات آتی به معنی ادامه کار انجام شده در شش دور قبلی خواهد بود. شرط سوم، یعنی هیچ دولتی در امریکا «مجددا جهان و حقوق بین الملل را به سخره نگیرد» را نباید خیلی جدی گرفت. هیچ توافق بین المللی در هیچ کشوری بدون تصویب مجلس برای دولت های بعد الزام حقوقی ایجاد نمی کند. حتی در صورت تصویب مجلس ملی نیز هیچ توافقی ازلی - ابدی نخواهد بود و همان مجلسی که توافقی را تصویب کرده، بعدا می تواند آن را لغو کند.

نمونه های زیادی را می توان در این رابطه مثال زد. اینکه بایدن تضمین کند که امریکا در دوره تصدی او از برجام خارج نخواهد شد، به نحوی (البته ناکافی) در بیانیه امریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس در ۳۰ اکتبر گذشته آورده شده است.

اظهارات آقای باقری کنی نیز موید همین تعدیل در ادبیات بود، از جمله سخن به ظاهر تند وی مبنی بر اینکه «ما مذاکره هسته ای نداریم زیرا موضوع هسته ای در سال ۱۳۹۴ در قالب توافقی که بین ایران و ۵+۱ شکل گرفت، به طور کامل حاصل شد.» این سخن و تاکید وی بر اینکه «موضوع اصلی ما در این مذاکرات پیامدهای ناشی از خروج ایالات متحده امریکا از برجام» خواهد بود، سخنی درست و کلیدی است. این سخن به طور ضمنی می تواند حاکی از تایید تام و تمام برجام ۹۴ و آمادگی برای برگشت به آن در صورت برداشته شدن تحریم های وضع شده بعد از خروج ترامپ از برجام باشد. مصاحبه آقای باقری با فیگارو و گاردین نیز موید این برداشت است. وی به فیگارو گفته است: «مساله اساسی خروج امریکا از برجام است و همه مشکلات از این خروج منشأ گرفته است.» وی همچنین به گاردین گفته است که خواست ما صرفا «برداشتن تحریم ها مطابق برجام است» و اینکه «توافقی حاصل شده و نظر ما این است که باید اجرا شود.» وی به گاردین گفته است اینکه مذاکرات از چه نقطه ای از سر گرفته شود، واقعا مساله مهمی نیست.

تاکیدات ایشان در مصاحبه با گاردین بر «راستی آزمایی» رفع تحریم ها، «امکان ایجاد نهادی برای راستی آزمایی»، تضمین اروپایی ها به انجام تجارت با ایران مثلا از طریق «مقررات بلاک کننده» و ... همگی اگر چه قابل بحثند، اما حکایت از گرایش به تمرکز بر مسائل جدی و عینی دارد و نهایتا کلام روشن تر و صریح تر را در توییت چهارشنبه شب آقای امیرعبداللهیان دیدیم و آن اینکه «بازگشت همه طرف ها به تعهدات شان یک اصل مهم و هدایت گر است.» همسو با اظهارات مقامات ذی ربط در امور هسته ای، حرکتی در برخی چهره های اصولگرا در جهت واقع بینی نیز دیده می شود. از جمله همزمان آقای پورمحمدی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز به «انتخاب» گفته است، «خود را از حداقل هایی که می تواند از طریق مذاکره حاصل شود، محروم نکنیم.» البته هنوز برای قضاوت و خوشبینی خیلی زود است. هنوز همه مخالفان سابق برجام روی یک طول موج نیستند و اظهارات متناقض شنیده می شود. اما اگر این حرکت مثبت در جهت واقع گرایی تعمیق و تثبیت شود، به معنی برداشته شدن یکی از موانع از سر راه نیل به توافق خواهد بود و حداقل می تواند در صورت بن بست در مذاکرات، خنثی کننده تلاش غربی ها برای مقصر جلوه دادن ایران در «بازی مقصریابی» باشد.